



ویژگی‌های روان‌سنجی و تحلیل‌عاملی تأییدی مقیاس شفا در والدین کودکان دارای آسیب بینایی

Psychometric Properties and Confirmatory Factor Analysis of the Shafa Scale in Parents of Visually Impaired Children

Atefe Mohammadi-Feizabadi
Sogand Ghasemzadeh
Ali Akbar Arjmandnia

عاطفه محمدی فیض‌آبادی*
سوگند قاسم‌زاده**
علی اکبر ارجمندنیا***

Abstract

The present study aims to investigate the study of psychometric properties of Arjmandnia questionnaire on parenting methods among families with visually impaired children. The method of the present study was descriptive survey and correlation study a fundamental purpose. The population of this study includes all visually impaired parent residing in Tehran during 2019-2020, of which 300 mothers including 185 parents of male students and 115 parents of female students were available for sampling and visits to schools for visually impaired children in Tehran city were selected. Data was collected using Arjmandnia Parenting Style Questionnaire (APMQ) and Bummind's Modern Parenting Style Scale (BPS) and analyzed using SPSS 24 and LISREL 8.8 software. The model fit indices were appropriate and confirmatory factor analysis showed that the structure of the 5-factor model of the scale was correct. The components of Arjmandnia parenting style include democratic parenting, cooperation with spouse in parenting, family role, exthetra parenting and parental dependence. In addition, all 28 questions of the questionnaire were approved. Cronbach's alpha and correlation tests indicate a favorable evaluation of this scale and its components. The Arjmandnia Parenting Styles Scale is a suitable Iranian instrument to study parenting styles and can be used in families with visually impaired children or in samples similar to the sample of the present study.

Keywords: Psychometric Properties, Confirmatory Factor Analysis, Parenting Styles, Visual Impairment

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

** نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

*** دانشیار روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: s.ghasemzadeh@ut.ac.ir

Received: 5 Jan 2021

Accepted: 19 Apr 2021

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

نوع مقاله: علمی پژوهشی

دریافت: ۹۹/۱۰/۱۶

چکیده

هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا در نمونه‌ای از خانواده‌های دارای فرزند با آسیب بینایی است. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی، همبستگی و با هدف بنیادی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل والدین دارای فرزند با آسیب بینایی در سال ۱۳۹۸ در شهر تهران است که از میان آن‌ها ۳۰۰ نفر از مادران شامل ۱۸۵ والد دانش‌آموز پسر و ۱۱۵ نفر والد دانش‌آموز دختر به روش نمونه‌گیری دردسترس و با مراجعه به مدارس آموزشی کودکان با آسیب بینایی شهر تهران انتخاب شدند. داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (APMQ) و مقیاس سبک‌های فرزندپروری بامریند (BPS) گردآوری شده و تحلیل‌عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۴ و LISREL 8.8 تجزیه و تحلیل شد. شاخص‌های برازش مدل مناسب بود و تحلیل‌عاملی تأییدی نشان از درستی سازه مدل پنج‌عاملی مقیاس داشت. مؤلفه‌های شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا شامل فرزندپروری مقتدرانه، همکاری با همسر در فرزندپروری، نقش فامیل (پدربزرگ، مادر بزرگ)، فرزندپروری خودخواهانه و وابستگی به والدین بود. همچنین ۲۸ سؤال پرسشنامه تأیید شد. آزمون‌های آلفای کرونباخ و همبستگی قابلیت اعتماد مطلوب این مقیاس و مؤلفه‌های آن را تأیید کردند. مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا ابزاری ایرانی مناسب برای بررسی سبک فرزندپروری است و می‌تواند در والدین کودکان دارای آسیب بینایی یا در نمونه‌های مشابه با نمونه پژوهش حاضر شود.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های روان‌سنجی، تحلیل‌عاملی تأییدی، شیوه‌های فرزندپروری، آسیب بینایی.

مقدمه

خانواده، اصلی‌ترین رکن هر جامعه است و سلامت و آسیب در جامعه از خانواده‌ها سرچشمه می‌گیرد. همچنین خانواده تأثیرگذارترین نهاد بر کودکان است و حیاتی‌ترین نقش در جامعه‌پذیرکردن فرزندان را برعهده دارد. تربیت خانوادگی کودکان را آماده نقش‌پذیری در جامعه کرده و در انتقال ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌های اجتماعی به کودکان نقش اصلی را ایفا می‌کند (زارعی، ۱۳۸۹). خانواده وظیفه اصلی را در مراقبت از فرزندان، تربیت آن‌ها، برقراری ارتباط سالم میان اعضا و کمک به استقلال فرزندان برعهده دارد؛ حتی اگر کودک کم‌توان ذهنی، ناشنوا یا نابینا باشد (محمودی، میرزمانی و ذبیحی، ۱۳۹۷). درواقع خانواده نظامی است که اختلال در هریک از اجزای آن، موجب تشدید اختلالات مربوط به اجزا و پیدایش مشکلات جدید می‌شود. با این نگرش، معلولیت یکی از فرزندان بر همه اعضای خانواده و کارکردهای مختلف آن تأثیر منفی می‌گذارد (به‌پژوه، ۱۳۹۴). آسیب بینایی^۱ اصطلاحی کلی است که برای تبیین نابینایی کامل یا ضعف در بینایی به کار برده می‌شود و بر یادگیری فرد مؤثر است (گنجی، ۱۳۹۷). آسیب بینایی ضایعه‌ای است که می‌تواند موانع فراوانی بر سر راه تحول فرد ایجاد کند و بر تحول حرکتی^۲، تحول مفهومی و تحول عاطفی^۳ تأثیر زیانباری زیانباری داشته باشد؛ از این‌رو والدین واکنش‌های عاطفی شدیدی به این نقص از خود نشان می‌دهند. بخشی از این واکنش‌ها ممکن است به این دلیل باشد که کودک با آسیب بینایی مسئولیت‌های بسیاری بر دوش والدین می‌گذارد و همه خانواده را درگیر می‌کند (پاستاجوسکی، فورن، کافمن، هالان و پالن، ۲۰۱۷). خانواده‌ها شیوه‌های خاصی را در تربیت فرزندان خود به کار می‌برند که می‌تواند متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها باشد (هاردی، پاور و جدیدک^۴، ۱۹۹۳). سبک‌های فرزندپروری^۴ دربرگیرنده دربرگیرنده نحوه تعامل والدین با فرزندان بوده که با مجموعه‌ای از گرایش‌ها، رفتارها زمینه‌های غیرکلامی تشخیص داده می‌شود (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳). شیوه‌های فرزندپروری به معنای روش‌ها و الگوهای نسبتاً پایدار والدین برای ارتباط اعضای خانواده است و جریان تأثیرگذاری و تأثیرناپذیری متقابل را فراهم می‌کند (استیونسون و آکیستر، ۱۹۹۵). دارلینگ و استینبرگ (۱۹۹۳) شیوه‌های فرزندپروری را تلاش‌های هدفمند والدین برای کمک به کفایت کودکان و تحول آن‌ها در مسیری مشخص تعریف می‌کنند. والدگری امری غریزی نیست، بلکه روندی تکاملی است که در سراسر زندگی کودکان جریان دارد و بر تحول آن‌ها تأثیر بسزایی می‌گذارد. بررسی تحلیل محتوای ۵۳۰ مقاله منتشرشده از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ بر اهمیت این موضوع در رشد شخصیت کودکان و نوجوانان تأکید داشته‌اند (فرزند، سرکز و کاووسگلو، ۲۰۱۷). والدگری به‌عنوان عاملی محیطی (قاسم‌زاده، افروز، به‌پژوه و شکوهی یکتا، ۱۳۹۶) تأثیر مهمی بر سلامت روان کودکان دارد (اچترگارد، پوسترت، سینگ، رومر و مولر، ۲۰۱۴) و آموزش شیوه‌های صحیح آن به والدین

-
1. vision
 2. motor evolution
 3. conceptual and emotional evolution
 4. parenting styles

می‌تواند به میزان فراوانی از مشکلات رفتاری کودکان بکاهد (چن و چان ۲۰۱۶؛ زینالی، خانجانی و سهرابی، ۱۳۹۴). مهارت‌های اجتماعی آن‌ها را ارتقا دهد (بارتولومی، مونتیل، فیامنگی و ماچادو، ۲۰۱۶). در رابطه عاطفی والدین و فرزندان بهبود ایجاد کند (زینالی، خانجانی و سهرابی، ۱۳۹۴) و به احساس کفایت در والدین به نقش خود به‌عنوان والد بینجامد (فرانکی، کوون و ساندرز، ۲۰۲۰). بیشتر پژوهش‌های حوزه فرزندپروری براساس سازه‌های فرزندپروری معرفی شده توسط بامریند (۱۹۷۱) انجام شده است (اقبال، موسوی و حکیم، ۱۳۹۵) که طی دهه‌ها مطالعاتی را به‌منظور تدوین چارچوب مفهومی انجام شده است (هابس تایت، دیکن، سیگمن گرت، جهنس و موبلی، ۲۰۱۳). بامریند (۱۹۷۱) در مطالعات خود سه ویژگی را نشان می‌دهد که روش مؤثر را از روش نه‌چندان مؤثر فرزندپروری جدا می‌کند. این سه ویژگی عبارت‌اند از: پذیرش و روابط نزدیک، مهارگری و استقلال‌دادن. از تعامل این سه ویژگی سه سبک فرزندپروری مشخص می‌شود: سبک فرزندپروری مقتدرانه^۱ با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال‌دادن مناسب. در سبک فرزندپروری مستبدانه^۲ والدین، پذیرش و روابط نزدیک کمی دارند و از نظر مهارگری اجباری بالا و از نظر استقلال‌دادن پایین هستند. والدین با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه^۳ روشی مهرورز و پذیرا نشان می‌دهند، متوقع نیستند و مهارگری کمی بر رفتار فرزندان خود دارند. کیفیت نحوه فرزندپروری در سال‌های اولیه کودکی، اساس تحول‌شناختی، اجتماعی و هیجانی آینده او را پایه‌گذاری می‌کند (مانتیم، پورا، لوما، سامیلین و تامینین، ۲۰۰۶؛ گاهل، ماخرجی و چادهاری، ۲۰۱۱). پژوهش‌های فراوانی درباره نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین بر فرزندانشان صورت گرفته است. پژوهشی در ژاپن بر نقش شیوه‌های فرزندپروری بر رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان تأکید کرد (هوسوکاوا و کاتسارا، ۲۰۱۷). نتایج مطالعه‌ای طولی که بر شیوه‌های فرزندپروری مادران از ۲۰ ماهگی تا ۶ سالگی فرزندانشان صورت گرفت، نشان داد سبک فرزندپروری آن‌ها در دوران پیش از دبستان می‌تواند بر مشکلات رفتاری آن‌ها در ۱۰ سالگی اثرگذار باشد (بورنستاین، پاتنیک و ساوالاسکی، ۲۰۱۸). نتایج پژوهشی دیگر که برای بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر رفتارهای اجتماعی کودکان انجام شد، حاکی از آن بود که رفتارهای پرخاشگرانه و اینکه کودک به‌خوبی می‌تواند با دیگران ارتباط برقرار کند یا گوشه‌گیر و خجالتی باشد، به‌کمک سبک‌های فرزندپروری والدین قابل‌پیش‌بینی است (سالتالی و ایمیر، ۲۰۱۸). ماتجویچ، جووانوویک و جووانوویک (۲۰۱۴) براساس یافته‌های خود بیان کردند، آن دسته از والدینی که سبک فرزندپروری مقتدرانه داشتند، در مقایسه با والدین دارای سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های مدرسه و موفقیت تحصیلی فرزندانشان داشتند. در ایران نیز مهری‌نژاد، رجبی مقدم و ترسافی (۲۰۱۵) به این نتیجه رسیدند که بین سبک اقتداری والدین با خلاقیت همبستگی مثبت و بین سبک استبدادی با خلاقیت همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. پژوهش‌های دیگر نیز نشان‌دهنده تأثیر سبک فرزندپروری بر درهم‌آمیختگی فکر، خودکارآمدی و وسواس

-
1. authoritative parenting style
 2. authoritarian parenting style
 3. casual parenting style

(طالبی نجفی‌آبادی، برجعلی، محمدخوانی، فرخی و دانش، ۱۳۹۷)، اهمال‌کاری^۱ و خودناتوان‌سازی^۲ (سلطان‌نژاد، سعدی‌پور و اسدزاده، ۱۳۹۴) شادکامی (سعادتیان و شیرافکن، ۱۳۹۷) خودکارآمدی^۳ و پیشرفت تحصیلی^۴ (سیفی و بازارویچ قادراف، ۱۳۹۷) و تحقیرشدگی (گللابی، علیزاده آقدم و زارع زاده اردشیر، ۱۳۹۷) فرزندان مؤثر است.

با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان نتیجه گرفت، کودکی اولیه در زندگی هر فردی زمان بسیار حساس و مهمی است که برای کودکان دارای آسیب‌بینایی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ بنابراین در صورت مداخله‌نکردن به‌موقع در این دوره، دو رخداد پیشرفت و عمیق‌ترشدن نیازهای ویژه و ایجاد محدودیت‌ها از یک سو و کاهش و از دست دادن فرصت‌ها از سوی دیگر موجب تحلیل‌توانایی فرد و تحمیل بیشتر ناتوانی به او می‌شود (اصغری نکاح، ۱۳۸۶)؛ درحالی‌که این افراد با دریافت خدمات ویژه می‌توانند با به‌دست‌آوردن استقلال به عضو مفید و تأثیرگذار در جامعه تبدیل شوند (به‌پژوه، کرمی‌نژاد، غباری بناب و شکوهی‌نژاد، ۱۳۹۲)؛ بنابراین در صورت مطالعه‌نکردن شیوه‌های فرزندپروری این والدین و طراحی برنامه مداخله به‌نگام و مناسب برای آنان ممکن است والدین با سبک‌های فرزندپروری منفی، هم فرصت طلایی آموزش و یادگیری کودکان با آسیب‌بینایی را از دست بدهند و هم سبب ایجاد عادات و رفتارهای نامطلوبی در این کودکان شوند که ممکن است حل و فصل آن‌ها دشوار و گاه غیرممکن باشد. مقایسه‌های میان‌فرهنگی نشان می‌دهد، جنبه‌های فرزندپروری اعم از شناخت‌ها (بورنستین و چیه، ۲۰۰۶؛ تالویست و آتونن، ۲۰۰۷) و رفتارها تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ بوده است (بورنستین و چیه، ۲۰۰۶). باید توجه داشت که رفتار فرزندپروری عمیقاً از فرهنگ تأثیر می‌پذیرد و فرهنگ مشخص می‌کند که چه محدودیت‌هایی باید در نظر گرفته شود (عبدالغفور و کورکان، ۲۰۱۴)؛ ازاین رو در بسیاری از کشورها تلاش می‌شود به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه‌های فرزندپروری معتبر و معروف متناسب با فرهنگ بومی پرداخته یا به طراحی پرسشنامه‌های مناسب در جامعه خود اقدام شود. در سال‌های گذشته، تحقیقات بسیاری در زمینه سنجش شیوه‌های فرزندپروری انجام شده است. در ایران نیز پژوهش‌های متعددی انجام شده است که بیشتر آن‌ها با استفاده از ابزارها و پرسشنامه‌هایی صورت گرفته که در فرهنگ‌های غیر از ایران ساخته شده است. از جمله ابزارهایی که برای بررسی سبک‌های فرزندپروری ساخته‌شده، پرسشنامه فرزندپروری یانگ (۱۹۹۴) است که امیرسرداری، اسماعیلی و خادمی (۱۳۹۵) آن را هنجاریابی کردند. این پرسشنامه به روش چرخش واریماکس^۵ در دو نسخه ۲۸ سؤالی برای مادر و ۳۰ سؤالی برای پدر از نسخه ۷۲ سؤالی اصلی پرسشنامه به‌دست آمد. آلفای کرونباخ برای عوامل فرم مادر این ابزار از ۰/۵۵۶ تا ۰/۸۳۸ و برای فرم پدر آن از ۰/۳۲۵ تا ۰/۸۸۵

-
1. procrastination
 2. academic achievement
 3. self-efficacy
 4. procrastination
 5. varimax rotation method

متفاوت بود. در پژوهشی دیگر پرسشنامه فرزندپروری ساخته دارلینگ و توپوکاوا (۱۹۹۷) را صدر، خادم الرضا، اخباری، علمائی و هاشمیان (۱۳۹۷) به روش تحلیل عاملی تأییدی^۱ بررسی کردند که نتایج آن نشان می‌دهد، نسخه ایرانی این ابزار شامل سه خرده‌مقیاس پاسخ‌گری^۲، درخواست‌گری^۳ و غفلت^۴ از برآزش مناسبی برخوردار است. همچنین آلفای کرونباخ این ابزار به‌منظور مقیاس کلی برای زیرمقیاس‌های پاسخ‌گری، غفلت و درخواست‌گری به‌ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶ و ۰/۵۳ بود. جولایی‌ها، زارع و موسوی (۱۳۹۶) نیز به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه فراوالدگری^۵ (هاوک و هولدن، ۲۰۰۶) پرداختند. پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد این ابزار در چهار عامل ارزیابی^۶، پیش‌بینی^۷، انعکاس^۸ و حل مسئله^۹ در جامعه ایرانی استفاده می‌شود. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۸۵ به‌دست آمد.

آمارها حاکی از آن است که ۲۸۵ میلیون نفر در دنیا با مشکلات ناشی از بینایی مواجهند و ۳۹ میلیون نفر از آن‌ها نابینا هستند (پاسکولینی، ماریوتی، ۲۰۱۲). این آمار در ایران ۵ تا ۸ درصد اعلام شده است (شریفی درآمدی و مالمیر، ۱۳۹۱). شیوع بالای آسیب‌های بینایی و مسائلی که خانواده‌های این گروه با آن‌ها مواجه می‌شوند، لزوم توجه و بررسی نیازهای آن‌ها را نمایان می‌کند. از سوی دیگر، بررسی پیشینه‌های نظری و پژوهشی نشان می‌دهد که عمده مطالعات صورت‌گرفته در حیطه فرزندپروری با استفاده از ابزارهایی انجام شده که مبتنی بر فرهنگ ایران نبوده و عمدتاً در کشورهای غربی ساخته شده است. با توجه به اینکه در این ابزارها فهرستی از پیش تعیین‌شده به‌منظور پاسخگویی ارائه می‌شود، مادران فرهنگ‌های مختلف ممکن است تفسیرهای متفاوتی از هریک از مواد فهرست مذکور داشته باشند. براین‌اساس هدف این تحقیق بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) در نمونه‌ای از والدین کودکان با آسیب بینایی است.

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی و از نظر هدف بنیادی است که در قالب یک طرح پژوهشی همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، والدین دارای فرزند با آسیب بینایی ساکن شهر تهران بودند. برای مشخص کردن حجم نمونه در هنجاریابی با توجه به تعداد گویه‌های مقیاسی که قرار است ساختار عاملی آن بررسی شود، به ازای هر گویه بین ۵ تا ۱۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه لازم در پژوهش انتخاب

1. confirmatory factor analysis method
2. responsiveness
3. request
4. neglect
5. meta- parenting questionnaire
6. assessment
7. forecast
8. reflection
9. problem solving

می‌شوند (دیکسون، ۲۰۰۱). همچنین هومن و عسگری (۱۳۸۴) حداقل حجم نمونه را ۲۵۰ نفر در نظر گرفتند و تعداد ۵۰۰ نفر را برای تحلیل مطلوب دانستند. بدین ترتیب انتخاب ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش کافی است. برای نمونه‌گیری، با مراجعه به مدارس آموزشی نایبانیان شهر تهران، ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پس از دریافت مجوز، به مدارس و مراکز نگهداری کودکان آسیب‌بینایی مراجعه شد و هماهنگی لازم برای شروع کار پژوهشی توسط مدیران و مدارس و مراکز و معلمان مربوط صورت گرفت. پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنی (شفا) و سبک فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) به همراه دستورالعمل کتبی نحوه تکمیل آن‌ها، در اختیار والدین دانش‌آموزان نمونه قرار گرفت. قبل از انجام پژوهش، والدین از محرمانه‌بودن اطلاعات با استفاده از زبانی قابل‌فهم آگاه شدند. رضایت آگاهانه شامل این موارد است: مشخصات کلی پژوهش و پژوهشگر، داوطلبانه‌بودن شرکت در تحقیق، نوع فعالیتی که شرکت‌کنندگان باید انجام دهند، توضیح حق انصراف از ادامه همکاری در هر زمان، توضیح منافع و خطرات احتمالی شرکت در تحقیق، روش‌های حفظ رازداری و محدودیت‌های اجتماعی در این زمینه. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل داشتن حداقل یک فرزند دارای آسیب‌بینایی و زندگی دانش‌آموز با مادر بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز ابتلای دانش‌آموز به اختلالات جسمی و روانی غیر از آسیب‌بینایی بود.

ابزار سنجش

شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنی (شفا) (APMQ)^۱

این ابزار ر ارجمندنی در سال ۱۳۹۳ تهیه و تدوین کرد. در ساخت این ابزار، برای شناسایی گویه‌های پرسشنامه ابتدا مصاحبه عمیق با ده والد (پنج والدی که دارای فرزند با چالش‌های رفتاری بودند و پنج والدی که چالش رفتاری جدی با فرزند خود نداشتند) در قالب گروه متمرکز طی پنج جلسه صورت گرفت. پس از اجرای مصاحبه‌ها، مضامین گفت‌وگوها استخراج و مقوله‌بندی شد. در کنار مصاحبه با والدین پرسشنامه‌های موجود در حوزه فرزندپروری مطالعه و درنهایت شکل اولیه پرسشنامه آماده شد. در مرحله بعد چهل والد برای اجرای آزمایشی ابزار ساخته‌شده به سؤالات پرسش‌نامه پاسخ دادند. پس از اجرای آزمایشی، دو گویه از مجموعه گویه‌ها که ضریب همسانی درونی پایینی داشتند، از پرسشنامه حذف شدند و بدین ترتیب نسخه نهایی پرسشنامه تهیه شد (ارجمندنی، صفایی و ملکی، ۱۳۹۶). ارجمندنی، صفایی و ملکی (۱۳۹۶) روایی این ابزار را به روش تحلیل‌عاملی اکتشافی بررسی کردند. براساس نتایج حاصل از چرخش عامل‌ها به روش واریماکس، این ابزار شامل ۲۸ سؤال و پنج خرده‌مقیاس بود که این پنج عامل در مجموع ۵۶/۱۰۲ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. خرده‌مقیاس‌های این ابزار شامل فرزندپروری مقتدرانه در ۹ سؤال شامل گویه‌های ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۱۹-۲۷ و ۲۸، همکاری با همسر در فرزندپروری در شش سؤال شامل گویه‌های ۷-۸-۹-۱۲-۱۳ و ۲۳، نقش فامیل (پدربزرگ مادربزرگ) در شش سؤال شامل گویه‌های ۱۰-۱۱-۱۴-۱۵-

1. Arjmandnia Parenting Methods Questionnaire (APMQ)

۱۶ و ۲۰، فرزندپروری خودخواهانه در چهار سؤال شامل گویه‌های ۲۲-۲۴-۲۵ و ۲۶ و خرده‌مقیاس وابستگی به والدین در ۳ سؤال و شامل گویه‌های ۱۷-۱۸ و ۲۱ است. نمره‌گذاری این ابزار به صورت لیکرت چهاردرجه‌ای است که شامل چهار گزینه همیشه (نمره ۳)، اغلب اوقات (نمره ۲)، گاهی اوقات (نمره ۱) و هیچ‌وقت (نمره صفر) است. ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار در والدین دارای فرزند کم‌توان ذهنی بررسی شد. آلفای کرونباخ برای این ابزار و در خرده‌مقیاس‌های فرزندپروری مقتدرانه، همکاری با همسر در فرزندپروری، نقش فامیل (پدربزرگ مادربزرگ)، فرزندپروری خودخواهانه و وابستگی والدین به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۶، ۰/۷۹ و ۰/۸۳ به دست آمد (ارجمندینا، صفایی و ملکی، ۱۳۹۶).

مقیاس شیوه‌های فرزندپروری بامریند^۱ (BPS)

مقیاس سبک‌های فرزندپروری بامریند را بامریند در سال ۱۹۷۳ طراحی کرد. این ابزار شامل ۳۰ سؤال است که در سه خرده‌مقیاس ۱۰ سؤالی تدوین شد. خرده‌مقیاس‌های این ابزار عبارت است از: سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه شامل عبارات ۱-۶-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۱- و ۲۴، سبک فرزندپروری استبدادی شامل عبارات ۲-۳-۷-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶ و ۲۹ و سبک فرزندپروری منطقی شامل عبارات ۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۴-۲۷ و ۳۰. نمره‌گذاری این ابزار به صورت لیکرتی است که در پنج درجه کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم و کاملاً مخالفم تنظیم و از صفر تا ۴ نمره‌گذاری شده است. میزان پایایی این ابزار به روش بازآزمایی برای مقیاس سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ۰/۸۱، سبک فرزندپروری مستبدانه ۰/۸۵ و سبک فرزندپروری منطقی ۰/۹۲ به دست آمد (بامریند، ۱۹۹۱). همچنین اسفندیاری (۱۳۷۴)، پایایی این ابزار را در ایران به روش آلفای کرونباخ بررسی کرد که مقدار آن برای خرده‌مقیاس‌های سهل‌گیرانه، استبدادی و منطقی به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۷ و ۰/۷۳ به دست آمد. همچنین پایایی این ابزار در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بود که حکایت از قابلیت اعتماد مناسب این ابزار داشت.

شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش تحلیل همبستگی و تحلیل عاملی تأییدی برای مطالعه میزان رابطه و هم‌خوانی میان متغیرها و استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۴ و LISREL 8.8 انجام شد.

یافته‌ها

الف) توصیف جمعیت شناختی

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی نمونه‌های پژوهش

پایه تحصیلی	جنسیت	تعداد
اول	پسر	۲۷
	دختر	۲۰
دوم	پسر	۳۶
	دختر	۱۹
سوم	پسر	۳۰
	دختر	۱۷
چهارم	پسر	۳۲
	دختر	۱۸
پنجم	پسر	۳۱
	دختر	۱۹
ششم	پسر	۲۹
	دختر	۲۲
جمع کل	پسر	۱۸۵
	دختر	۱۱۵

ب) شاخص‌های توصیفی پرسشنامه

جدول ۲. ویژگی‌های توصیفی زیرمقیاس‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنی (شفا)

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
فرزندپروری مقتدرانه	۲۹/۹۴	۴/۷۸	-۰/۵۱	۰/۲۴
همکاری با همسر در فرزندپروری	۲۱/۰۲	۳/۶۳	-۰/۶۴	-۰/۱۹
نقش فامیل (پدربزرگ مادر بزرگ)	۱۹/۹۳	۳/۴۶	-۰/۶۳	-۰/۰۵
فرزندپروری خودخواهانه	۱۳/۰۱	۲/۴۹	-۰/۶۵	۰/۳۹
وابستگی به والدین	۱۰/۲۳	۲/۱	-۰/۰۷۸	۰/۳۶

ج) روایی مبتنی بر تحلیل‌عاملی تأییدی

برای بررسی تحلیل‌عاملی تأییدی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنی (شفا) ابتدا شاخص‌های برازش مدل بررسی شد.

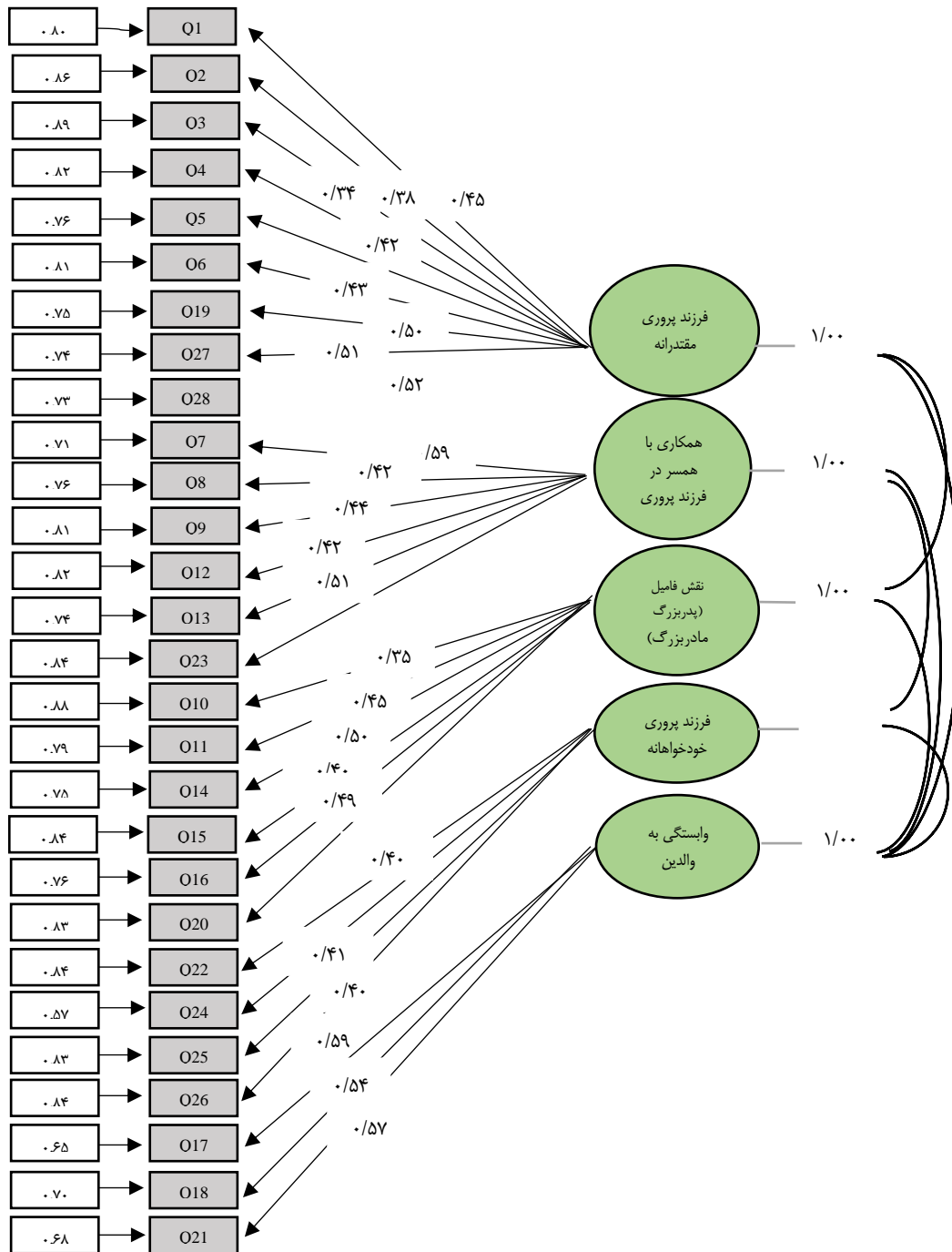
جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل عاملی

شاخص برازش	دامنه مورد قبول	مقدار مشاهده شده	ارزیابی شاخص برازش
χ^2/df	≤ 3	۲/۱۱	مناسب
IFI	> 0.9	۰/۹۲	مناسب
NNFI	> 0.9	۰/۹۱	مناسب
RMSEA	< 0.08	۰/۰۶۱	مناسب
CFI	> 0.9	۰/۹۲	مناسب
SRMR	< 0.08	۰/۰۶۴	مناسب

سؤالات ابزار و معناداری آن‌ها بررسی شد. سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار t بالاتر از ۱/۹۶ نشان می‌دهد که همه سؤالات ابزار معنادار است؛ بنابراین ابزار در پنج خرده‌مقیاس و ۲۸ سؤال تأیید شد. در جدول ۲، سؤالات مربوط به هر مؤلفه، ضرایب غیراستاندارد، استاندارد، آماره t و سطح معناداری هر گویه ابزار مشخص است.

شاخص نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (χ^2/df) نشان داد که این عدد کمتر از ۳ و به معنای برازش مدل با داده‌هاست. تقریب خطای ریشه مجذور میانگین (RMSEA) برابر ۰/۰۶۱ و ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (SRMR) نیز برابر با ۰/۰۶۴ است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچک‌تر است و در نتیجه برازش مدل را تأیید می‌کند. در نهایت شاخص‌های IFI، CFI، NNFI نیز از ملاک مورد نظر (۰/۹) بزرگ‌تر هستند و برازنده بودن مدل عاملی مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) را تأیید می‌کنند.

شکل ۱ مدل تحلیل عاملی تأییدی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) در حالت ضرایب استاندارد را نمایش می‌دهد. مقدار پارامتر برآورد شده برای هر یک از متغیرها نشان‌دهنده قدرت بار عاملی هر متغیر بر عامل مرتبط با آن است. براساس جدول ۲، بیشترین میانگین زیرمقیاس‌های این ابزار، برای زیرمقیاس فرزندپروری مقتدرانه با مقدار ۲۹/۹۴ و کمترین میانگین برای زیرمقیاس وابستگی به والدین با مقدار ۱۰/۲۳ بود. همچنین با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی داده‌ها بین ۲+ و ۲- است، داده‌ها در سطح ۰/۰۵ از توزیع بهنجار برخوردارند. ابزار معتبر و مطمئن ابزاری است که ویژگی تکرارپذیری و بازپدیدآوری داشته باشد؛ یعنی بتوان آن را در موارد متعدد به کار برد و در همه موارد نتایج یکسان تولید کرد (هومن، ۱۳۷۸). میزان قابلیت اعتماد در پژوهش حاضر از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار آلفای بیش از ۰/۹ عالی، بین ۰/۸-۰/۹ خوب، ۰/۷-۰/۸ قابل قبول، ۰/۶-۰/۷ قابل بحث، ۰/۵-۰/۶ ضعیف است و کمتر از ۰/۵ قابل قبول نیست (جورج و مارلی، ۲۰۰۳).



شکل ۱. تحلیل عاملی تأییدی مقیاس شیوه‌های فرزند پروری ارجمندنی (شفا) در حالت ضرایب استاندارد

جدول ۴. مؤلفه‌ها، سؤالات، ضرایب و معناداری پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا)

مؤلفه	شماره سؤال	سؤالات	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری
فرزندپروری مقتدرانه	۱	فرزندم درباره مسائل مورد علاقه خود با من صحبت می‌کند.	۰/۴۴	۰/۴۵	۷/۳۲	p<۰/۰۱
	۲	با فرزند خود درباره تغییر رفتارش صحبت می‌کنم.	۰/۴۰	۰/۳۸	۶/۱۳	p<۰/۰۱
	۳	با فرزند خود شوخی می‌کنم.	۰/۳۲	۰/۳۴	۵/۳۷	p<۰/۰۱
	۴	با فرزند خود برای تفریح قدم می‌زنم.	۰/۳۹	۰/۴۲	۶/۹۲	p<۰/۰۱
	۵	با فرزند خود داخل منزل بازی می‌کنم.	۰/۵۰	۰/۴۹	۸/۱۱	p<۰/۰۱
	۶	فرزندم درباره مسائل مدرسه خود با من صحبت می‌کند.	۰/۴۶	۰/۴۳	۷/۰۹	p<۰/۰۱
همکاری با همسر در فرزندپروری	۱۹	من، همسر و فرزندم با هم به تماشای فیلم/ سریال می‌نشینیم.	۰/۴۸	۰/۵۰	۸/۳۵	p<۰/۰۱
	۲۷	در همه امور از فرزندم حمایت می‌کنم تا احساس کمبود نکند.	۰/۵۱	۰/۵۱	۸/۴۶	p<۰/۰۱
	۲۸	چنانچه فرزندم خطایی بکند، او را سرزنش و تقیب نمی‌کنم.	۰/۴۷	۰/۵۲	۸/۶۸	p<۰/۰۱
	۷	با همسر درباره مدیریت رفتار فرزندم صحبت می‌کنیم.	۰/۵۷	۰/۵۴	۸/۷۱	p<۰/۰۱
	۸	همسر از برخوردهایی که برای فرزندم اعمال می‌کنم حمایت می‌کند.	۰/۴۱	۰/۴۹	۷/۸۴	p<۰/۰۱
	۹	روش‌های برخورد همسر با فرزندم، مورد تأیید من است.	۰/۴۰	۰/۴۴	۶/۹۶	p<۰/۰۱
	۱۲	برای هماهنگ کردن روش‌های تربیتی با همسر صحبت می‌کنم.	۰/۳۶	۰/۴۲	۶/۶۰	p<۰/۰۱
	۱۳	من و همسر از روش‌های درستی برای تربیت فرزندم استفاده می‌کنیم.	۰/۵۳	۰/۵۱	۸/۱۲	p<۰/۰۱
	۲۳	همسر به مشکلات رفتاری‌ای که فرزندم دارد، بی‌تفاوت است.	۰/۳۹	۰/۴۰	۶/۳۰	p<۰/۰۱
	نقش فامیل (پدربزرگ مادربزرگ)	۱۰	همه اعضای خانواده هنگام غذاخوردن سر سفره/ میز حاضر هستند.	۰/۳۷	۰/۳۵	۵/۵۷
۱۱		هنگام غذاخوردن درباره موضوعات مختلف صحبت می‌کنیم.	۰/۴۸	۰/۴۵	۷/۳۴	p<۰/۰۱
۱۴		رفتار فرزند من باید خوشایند پدربزرگ و مادربزرگش باشد.	۰/۵۰	۰/۵۰	۸/۱۳	p<۰/۰۱
۱۵		نحوه برخورد پدر و مادرم با فرزندم مورد تأیید من است.	۰/۳۸	۰/۴۰	۶/۳۵	p<۰/۰۱
۱۶		نحوه برخورد پدرم و مادرم با فرزندم مورد تأیید همسر است.	۰/۵۲	۰/۴۹	۷/۹۷	p<۰/۰۱
۲۰		من، همسر و فرزندم با هم بدون همراهی خانواده دیگری، به مسافرت می‌رویم.	۰/۴۱	۰/۴۲	۶/۶۹	p<۰/۰۱
۲۲		وقتی با فرزندم بازی می‌کنم، به گونه‌ای عمل می‌کنم که او برنده بازی باشد.	۰/۳۹	۰/۴۰	۶/۶۰	p<۰/۰۱
۲۴		چنانچه فرزندم خطایی مرتکب شود، او را تنبیه بدنی می‌کنم.	۰/۶۵	۰/۶۶	۱۱/۰۳	p<۰/۰۱
فرزندپروری خودخواهانه	۲۵	فرزندم باید مراعات حال من را بکند؛ چراکه در طول روز خسته می‌شوم.	۰/۳۸	۰/۴۱	۶/۷۵	p<۰/۰۱
	۲۶	فرزندم را به گونه‌ای تربیت می‌کنم که عصبی دستم در زمان پیری باشد.	۰/۴۰	۰/۴۰	۶/۵۶	p<۰/۰۱
	۱۷	فرزندم شب‌ها هنگام خواب پیش من و همسر می‌خوابد.	۰/۵۳	۰/۵۹	۱۰/۰۶	p<۰/۰۱
	۱۸	من یا همسرم قبل از خواب فرزندم در کنار او می‌خوابیم تا خوابش ببرد.	۰/۵۳	۰/۵۴	۹/۱۹	p<۰/۰۱
	۲۱	هر ساله، مسافرت‌های خارج از شهر در برنامه زندگی‌مان است.	۰/۵۴	۰/۵۷	۹/۶۷	p<۰/۰۱

جدول ۵. نتایج آزمون کرونباخ برای بررسی قابلیت اعتماد زیرمقیاس‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا

مؤلفه	تعداد سؤال	آلفای کرونباخ
فرزندپروری مقتدرانه	۹	۰/۸۱۰
همکاری با همسر در فرزندپروری	۶	۰/۷۹۲
نقش فامیل (پدر بزرگ مادر بزرگ)	۶	۰/۷۵۸
فرزندپروری خودخواهانه	۴	۰/۷۳۷
وابستگی به والدین	۳	۰/۷۱۰

بر اساس جدول ۵، مقدار آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده برای زیرمقیاس‌های ابزار حاضر بیشتر از ۰/۰۷ بود؛ بنابراین ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای زیرمقیاس‌های پرسشنامه فرزندپروری ارجمندنیا در حد قابل‌قبولی بود. به‌منظور بررسی درستی ملاک پرسشنامه فرزندپروری ارجمندنیا، از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) استفاده و ضرایب همبستگی پیرسون بین نمرات دو پرسشنامه محاسبه شد. نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۵ مشخص است.

جدول ۶. ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا و سبک‌های فرزندپروری بامریند

مؤلفه	سبک مقتدرانه	سبک سهل‌گیرانه	سبک مستبدانه
فرزندپروری مقتدرانه	**۰/۲۱۷	**۰/۱۸۴	**۰/۲۳۱
همکاری با همسر در فرزندپروری	**۰/۱۹۵	*۰/۱۵۸	**۰/۱۷۵
نقش فامیل (پدر بزرگ مادر بزرگ)	*۰/۱۶۴	**۰/۱۹۷	*۰/۱۵۲
فرزندپروری خودخواهانه	**۰/۲۴۵	*۰/۱۴۳	**۰/۱۸۶
وابستگی به والدین	**۰/۱۷۲	*۰/۱۶۶	*۰/۱۵۹

*معناداری در سطح ۰/۰۵ **معناداری در سطح ۰/۰۱

در جدول ۶ نتایج همبستگی پرسشنامه فرزندپروری ارجمندنیا و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند نمایان است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده ضرایب همبستگی محاسبه‌شده بین زیرمقیاس‌های پرسشنامه فرزندپروری ارجمندنیا و سبک‌های فرزندپروری بامریند معنادار بودند ($P < ۰/۰۵$). با توجه به معناداری ضرایب به‌دست‌آمده درستی ملاکی پرسشنامه تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، اعتباریابی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) بود. به‌منظور بررسی اعتباریابی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه فرزندپروری ارجمندنیا از آزمون تحلیل‌عاملی تأییدی

استفاده شد. همچنین برای بررسی درستی سازه ابزار، از آزمون آلفای کرونباخ، به منظور بررسی قابلیت اعتماد ابزار و به منظور بررسی درستی ملاکی این ابزار از آزمون ضریب همبستگی استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار لیزرل نشان می‌دهد، شاخص‌های (χ^2/df) ، تقریب خطای ریشه مجذور میانگین (RMSEA)، ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (SRMR) و شاخص‌های IFI، NNFI، CFI درستی سازه مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) را تأیید می‌کنند. همچنین نتایج بارهای عاملی تمامی مؤلفه‌های مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) (فرزندپروری مقتدرانه، همکاری با همسر در فرزندپروری، نقش فامیل (پدربزرگ مادر بزرگ)، فرزندپروری خودخواهانه و وابستگی به والدین) بیانگر این است که بارهای عاملی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار هستند؛ بدین معنا که سؤالات این مقیاس همان چیزی را اندازه می‌گیرند که برای آن طراحی شده‌اند. نتیجه این پژوهش با پژوهش ارجمندنیا، صفایی و ملکی (۱۳۹۶) همسو است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) دارای ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی است و به‌طور کلی می‌تواند در جامعه ایرانی استفاده شود؛ یعنی پرسشنامه ارجمندنیا می‌تواند به‌عنوان ابزاری بومی استفاده شود. همچنین این ابزار که در جامعه والدین دارای کودکان دارای کم‌توان ذهنی بررسی شد، پنج زیرمقیاس فرزندپروری مقتدرانه، همکاری با همسر در فرزندپروری، نقش فامیل (پدر بزرگ مادر بزرگ)، فرزندپروری خودخواهانه و وابستگی به والدین داشت. از این نظر نیز پرسشنامه حاضر با پرسشنامه ارجمندنیا، صفایی و ملکی (۱۳۹۶) همسوست. امیرسرمداری، اسماعیلی و خادمی (۱۳۹۵) نیز در تحقیق خود برای بررسی کفایت شاخص‌های روان‌سنجی پرسشنامه فرزندپروری یانگ (YPI) از تحلیل مؤلفه‌های اصلی از طریق چرخش واریماکس استفاده کردند و ۱۷ عامل را در تحلیل به‌دست آوردند. همچنین صدر و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری دارلینگ و تویوکاوا (PSI-II) پرداختند که نتیجه تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس راه‌حل‌های سه‌عاملی و چهارعاملی را نشان داد که به‌ترتیب ۴۵/۱۳ و ۵۲/۱۷ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های برازش بهتر راه‌حل سه‌عاملی را در مقایسه با راه‌حل چهارعاملی نشان داد که نشان‌دهنده برازش بهتر راه‌حل سه‌عاملی با داده‌ها در جامعه ایران بود. آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۶۵ بود و برای سه عامل از ۰/۵۳ تا ۰/۷۵ به‌دست آمد. ضریب همبستگی در روش بازآزمون ۰/۷۷ به‌دست آمد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد قابل‌قبول ابزار است. در پژوهش حاضر، نتایج بار عاملی مؤلفه فرزندپروری مقتدرانه، همکاری با همسر در فرزندپروری، نقش فامیل (پدر بزرگ مادر بزرگ)، فرزندپروری خودخواهانه و وابستگی به والدین نشان می‌دهد که همه مؤلفه‌های مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است. نتایج آزمون توصیفی نشان می‌دهد که داده‌ها از توزیع بهنجاری برخوردار هستند. برای بررسی قابلیت اعتماد از شاخص‌های همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد. همه ضرایب معنادار بود. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های آزمون کرونباخ در بعد فرزندپروری مقتدرانه ۰/۸۱، در بعد همکاری با همسر در فرزندپروری ۰/۷۹، در بعد نقش فامیل (پدر بزرگ مادر بزرگ) ۰/۷۵، در بعد فرزندپروری خودخواهانه ۰/۷۳ و بعد وابستگی به والدین ۰/۷۱ بود. این نتایج در

کنار دقتی که در مراحل قبل از طراحی و انتخاب گویه‌ها تا دقت در اجرا شکل گرفته بود، بیانگر قابلیت اعتماد مطلوب این ابزار است. قابلیت اعتماد نسخه فارسی مقیاس سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) در نمونه ایرانی نیز حدود ۲/۳ گزارش شده است (بیرامی و بهادری خسروشاهی، ۱۳۸۹)؛ همچنین قابلیت اعتماد پرسشنامه بامریند (۱۹۷۳) در پژوهش شفیع‌پور، شیخی، میرزایی و کاظم‌نژاد لیلی (۱۳۹۴) برابر با ۰/۸۳ بود؛ بنابراین از جهاتی می‌توان این پژوهش را همسو دانست، اما وجه تمایز اصلی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندینا (شفا)، توجه به بافت فرهنگ ایرانی در طراحی گویه‌هاست؛ برای مثال با توجه به جایگاه و اهمیت خانواده و ارتباط بیشتر خانواده‌ها با بزرگان و بستگان در بافت فرهنگی ایران، در این مقیاس به نقش پدربزرگ و مادربزرگ‌ها نیز در الگوهای ارتباطی والدین و فرزندان پرداخته شده است که تاکنون در تحقیقات و ابزارهای خارجی (که وابسته به فرهنگ هستند) به این موضوع پرداخته نشده است. درباره بررسی روایی ملاکی مقیاس فرزندپروری ارجمندینا (شفا) از روایی همگرا استفاده شد. به منظور بررسی روایی ملاک پرسشنامه فرزندپروری ارجمندینا، از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۱) استفاده و ضرایب همبستگی پیرسون بین نمرات دو پرسشنامه محاسبه شد. براساس یافته‌ها ضرایب همبستگی محاسبه‌شده بین زیرمقیاس‌های پرسشنامه فرزندپروری ارجمندینا و سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۱) معنادار هستند ($P < 0/05$). با توجه به معناداری ضرایب به دست آمده درستی ملاک پرسشنامه تأیید شد که دلیلی بر درستی ابزار است و می‌توان گفت این مقیاس، از قابلیت اعتماد و درستی مطلوبی در نمونه پژوهش حاضر برخوردار است و می‌توان از آن به عنوان یک ابزار توسعه‌یافته جدید در نمونه‌های مشابه استفاده کرد. یافته‌های این بخش از پژوهش تأکید می‌کنند که مقیاس حاضر روایی هم‌زمان دارد. به عبارت دیگر مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندینا (شفا) همگرا با مقیاس سبک‌های فرزندپروری بامریند است که این امر نشان می‌دهد پرسشنامه ارجمندینا می‌تواند در میان جامعه ایرانی استفاده شود. امروزه سبک طبقه‌بندی انواع فرزندپروری که بیشترین و گسترده‌ترین استفاده را در میان پژوهشگران و محققان دارد، براساس کار بامریند (۱۹۷۱) تهیه شده است. آن‌ها سبک‌های فرزندپروری را براساس دو بعد پاسخ‌گری^۱ و درخواست‌گری^۲ طبقه‌بندی کردند. بعد پاسخ‌گری با مهربانی، پذیرش و مراقبت مشخص می‌شود. بعد درخواست‌گری نیز با محدودیت، دخالت و نظم مشخص می‌شود که تعامل این دو بعد چهار نوع سبک فرزندپروری به وجود می‌آورد: سبک فرزندپروری مقتدرانه (نمرات بالا در هر دو بعد درخواست‌گری و پاسخ‌گری)، سبک فرزندپروری استبدادی (نمرات بالا در درخواست‌گری و پایین در پاسخ‌گری)، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه (نمرات بالا در پاسخ‌گری و پایین در درخواست‌گری) و سبک فرزندپروری غافلانه (نمرات پایین در هر دو بعد پاسخ‌گری و درخواست‌گری) (فان و ژنگ، ۲۰۱۴). در میان تحقیقات درباره سبک‌های فرزندپروری به‌طور مکرر مشخص شده است، سبک‌های فرزندپروری نقش مهمی در دستاوردهای رشدی اشخاص بازی می‌کند (کولینز، مکوی، استرنبرگ، هدرینگتون و بورنستاین، ۲۰۰۰؛ گارسیا، ۲۰۱۴) از دیدگاه ابعادی دستاوردهای رشدی مثبت کودکان تقریباً

1. responsiveness

2. request

همیشه با تأمین تربیت برای مثال، گرمی و پاسخ‌گری، تشویق استقلال برای مثال دموکراسی و خودمختاری و مهارگری مناسب مرتبط بوده است (سوئیس، دسی و وانستکیست، ۲۰۱۷). به دلیل همین اهمیت رشدی سبک‌های فرزندپروری برای فرزندان پرسشنامه‌های بسیاری برای سنجش سبک‌های فرزندپروری ساخته شده است که تعدادی از آن‌ها به فارسی ترجمه شده و در تحقیقات فارسی استفاده شده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳)، ابزار ارتباط والدینی^۱ (پارکر، تاپلینگ و براون، ۱۹۷۹)، پرسشنامه اقتدار والدین^۲ (بوری، ۱۹۹۱)، پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری رایبسون، ماندلکو، السون و هارت (۱۹۹۵)، پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده^۴ (مک‌کلان و مرل، ۱۹۹۸) اشاره کرد. این بررسی نشان می‌دهد وجود یک ابزار بومی برای سنجش روابط والدین و فرزندان ضروری است که نتایج نشان می‌دهد از ابزار سبک فرزندپروری ارجمندنیا به‌عنوان ابزاری بومی منطبق بر فرهنگ ایرانی استفاده کرد. می‌توان گفت این پرسشنامه قابلیت اعتماد نسبی دارد و تحلیل عوامل نیز عوامل پرسشنامه اصلی را با تغییراتی نمایان می‌کند و به‌طور کلی می‌توان از آن برای انجام کارهای پژوهشی استفاده کرد. نکته دیگر این است که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی بسیار در حوزه فرزندپروری، شاید بهتر باشد از ابتدا ابزاری مستقل ساخته شود. همان‌طور که عبدالغفور و کورکان (۲۰۱۴) پس از بررسی بسیاری از ابزارهای سبک‌های فرزندپروری تصمیم گرفتند ابزاری متناسب با سنت‌های فرزندپروری شرقی و زمینه فرهنگی خود در هند بسازند.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به فرض صحت‌نداشتن پاسخ‌های برخی از سؤالات از سوی آزمودنی‌ها که مایل به ارائه تصویر درست و واقعی از خصوصیات شخصی خود نبودند و ترس از اینکه قضاوت قرار شوند، اشاره کرد. همچنین، نمونه در دسترس برای اجرای آزمون انتخاب شد؛ بنابراین در پژوهش‌های بعدی باید این محدودیت‌های لحاظ شود و مطالعات بیشتری درباره نمونه‌هایی از شهرهای مختلف ایران صورت بگیرد. از سوی دیگر، رواسازی این ابزار در مدارس افراد با آسیب‌های بینایی و والدین آن‌ها صورت گرفت؛ از این‌رو در تعمیم نتایج آن به دیگر نمونه‌ها و افراد عادی باید جانب احتیاط رعایت شود. استفاده از نمونه‌های بزرگ‌تر و ناهمگون‌تر در پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌شود. به عبارت دیگر بهتر است در پژوهش‌های آینده شهرهای مختلف ایران مدنظر قرار بگیرند و این پرسشنامه در جوامع، اقوام و فرهنگ‌های گوناگون هنجاریابی شود. بررسی میزان اهمیت هریک از زیرمقیاس‌ها نیز ضروری به‌نظر می‌رسد. با توجه به اجرای این پژوهش بر روی خانواده‌های دارای آسیب‌های بینایی، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند مورد توجه و استفاده خانواده‌هایی قرار بگیرد که فرزندان با مشکلات گوناگون دارند. همچنین به آموزش و پرورش استثنایی و درمانگرانی که با کودکان با ناتوانی‌های خاص سروکار دارند، پیشنهاد می‌شود

-
1. parental communication tools
 2. parental authority questionnaire
 3. parenting practices questionnaire
 4. perceived parenting styles

نتایج پژوهش حاضر را در ارتباط با کودکان مبتلا به ناتوانی‌های بینایی و خانواده‌های آن‌ها مدنظر قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود در کارگاه‌های روان‌شناختی و مراکز مشاوره به ابعاد گوناگون فرزندپروری توجه بیشتری شود تا در این زمینه شیوه‌های آموزش کارآمدتری تنظیم شود. پیشنهاد می‌شود با توجه به ویژگی‌های روان‌سنجی مناسب این مقیاس و بومی‌بودن آن که با توجه به ویژگی‌های فرهنگی کشور تدوین شده، در تحقیقات آینده از این ابزار استفاده شود.

منابع

- ارجمندنیان، ع. ا.، صفایی، ا.، و ملکی، س. (۱۳۹۶). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیان. *مجله روان‌شناسی خانواده*، ۴(۱)، ۶۴-۵۳.
- اسفندیاری، غ. ر. (۱۳۷۴). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلابه اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته روانشناسی بالینی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان، انستیتوی روان‌پزشکی تهران.
- اصغری نکاح، س. م. (۱۳۸۶). ضرورت و جایگاه مداخله زود هنگام و آموزش پیش‌دبستانی برای کودکان دارای نیازهای ویژه. *نشریه تعلیم و تربیت استثنایی*، ۲(۷۴)، ۱۱-۳.
- اقبال، م.، موسوی، س. و. ا.، و حکیم، ف. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های فرزندپروری مادران. *روان‌شناسی خانواده*، ۳(۲)، ۲۶-۱۷.
- امیرسرداری، ل.، اسماعیلی، ا.، و خادمی، ع. (۱۳۹۵). کفایت شاخص‌های روان‌سنجی پرسشنامه فرزندپروری یانگ (YPI). *روان‌شناسی تربیتی*، ۱۷(۱)، ۱۰-۱.
- به‌پژوه، ا. (۱۳۹۴). *خانواده و کودکان با نیازهای ویژه*. تهران: آوای نور.
- به‌پژوه، ا.، کرمی‌نژاد، ر.، غباری بناب، ب.، و شکوهی یکتا، م. ب. (۱۳۹۲). آموزش هوش هیجانی و اثربخشی آن بر دانش‌آموزان با آسیب بینایی. *روان‌شناسی افراد استثنایی*، ۴(۲)، ۲۰-۱.
- بیرامی، م.، و بهادری خسروشاهی، ج. (۱۳۸۹). ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان راهنمای مدارس شهر ایلخچی. *آموزش و ارزشیابی*، ۱۰(۳)، ۲۱-۷.
- جولایی‌ها، س.، زارع، ح.، و موسوی، س. (۱۳۹۶). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه فرا والدگری. *مجله علمی پژوهان*، ۱۶(۱)، ۴۸-۴۲.
- زارعی، ا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر براساس مقیاس کلونینگر. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*، ۱۸(۳)، ۲۲۴-۲۲۰.
- زینالی، ش.، خانجانی، ز.، و سهرابی، ف. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش والدین بر کاهش علائم اختلال سلوک و پرخاشگری نوجوانان ۱۴-۱۶ ساله. *سلامت و بهداشت*، ۶(۵)، ۵۷۴-۵۶۵.
- سعادتیان، ص.، و شیرافکن، ع. (۱۳۹۷). تأثیر مداخلات خانواده‌محور بر سبک‌های فرزندپروری والدین و شادکامی نوجوانان دچار مشکلات رفتاری شهرستان مشهد. *آموزش، مشاوره و روان‌درمانی*، ۷(۲۶)، ۹۴-۸۳.
- سلطان‌نژاد، س.، سعدی پور، ا.، و اسدزاده، ح. (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با اهمال‌کاری و خودناتوان‌سازی. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۱(۳۷)، ۲۲-۱.

- سیفی، م.، و بازارویج قادراف، ق. (۱۳۹۷). رابطه بین اهداف پیشرفت و عملکرد تحصیلی: بررسی نقش میانجی‌گری خودکارآمدی تحصیلی. پژوهش در نظام‌های آموزشی. ۱۲ (ویژه‌نامه)، ۱۲۷۰-۱۲۶۱.
- شریفی درآمدی، پ.، و مالمیر، م. (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه سرعت پردازش اطلاعات در نوجوانان نابینا و بینای ۱۴-۱۶ سال شهر تهران. افراد استثنایی. ۳ (۶)، ۶۰-۴۷.
- شفیع‌پور، س. ز.، شیخی، ع.، میرزایی، م.، و کاظم‌نژاد لیلی، ا. (۱۳۹۴). سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان. پرستاری و مامایی جامع‌نگر. ۲۵ (۷۶)، ۵۶-۴۹.
- صدر، م. م.، خادم الرضا، ن.، اخباری، س.، علمائی، م.، و هاشمیان، س. س. (۱۳۹۷). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری. روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۳۴ (۱)، ۹۱-۸۰.
- طالبی نجف‌آبادی، س.، برجعلی، ا.، محمدخانی، ش.، فرخی، ن. ع.، و دانش، ع. (۱۳۹۷). تبیین رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و نشانه‌های وسواس: نقش میانجی‌گر خودکارآمدی و درهم‌آمیختگی فکر. اندیشه و رفتار. ۱۲ (۴۷)، ۹۷-۶۷.
- قاسم‌زاده، س.، افروز، غ. ع.، به‌پژوه، ا.، و شکوهی یکتا، م. (۱۳۹۶). اثربخشی روان‌درمانی مبتنی بر غنی‌سازی روابط درون خانوادگی بر مهارت فرزندپروری مادران و نشانه‌های بالینی کودکان با اختلال رفتاری. مطالعات روان‌شناختی. ۱۳ (۱)، ۲۴-۷.
- گلابی، ف.، علیزاده اقدم، م. ب.، و زارع‌زاده اردشیر، ل. (۱۳۹۷). سبک فرزندپروری و احساس تحقیرشدگی مطالعه زنان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق ده‌گانه شهر شیراز. زن در فرهنگ و هنر. ۱۰ (۳)، ۳۸۰-۳۵۱.
- گنجی، م. (۱۳۹۷). روان‌شناسی کودکان استثنایی بر اساس DSM-5. چاپ هفتم. تهران. نشر: سالوان.
- محمودی، م.، میرزمانی، س. م.، و ذبیحی، ر. (۱۳۹۷). رابطه سلامت روانی والدین با سازگاری فرزندان پسر مقطع ابتدایی منطقه ۱۷ شهر تهران. فصلنامه تعالی مشاوره و روان‌درمانی. ۷ (۲۷)، ۲۲-۱۴.
- هومن، ح. ع. (۱۳۷۸). راهنمای تدوین گزارش پژوهشی، رساله و پایان‌نامه تحصیلی. تهران، نشر: پارسا.
- هومن، ح. ع.، و عسگری، ع. (۱۳۸۴). تحلیل عاملی: دشواری‌ها و تنگناهای آن. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. ۳۵ (۲)، ۲۰-۱.

References

- Abdul Gafor, K., Kurukkan, A. (2014). Construction and Validation of Scale of Parenting Style. *Guru Journal of Behavioral and Social Sciences*. 2(4), 315-23.
- Achtergarde, S., Postert, C., Wessing, I., Romer, G. & Müller, J. M. (2014). Parenting and child mental health: Influences of parent personality, child temperament, and their interaction. *The Family Journal*. 23(2), 167-179.
- Bartholomeu, D., Montiel, J. M., Fiamenghi Jr, G. A., & Machado, A. A. (2016). Predictive power of parenting styles on children's social skills: A Brazilian sample. *Sage Open*. 6(2), 1-7.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*. 4(1-2), 1-103.

- Baumrind, D. (1973). The development of instrumental competence through socialization. In A. Pick (Ed.), *Minnesota symposia on child psychology* (Vol. 7, pp. 3-46). Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
- Bornstein, M. H., & Cheah, C. S. L. (2006). *The place of "culture and parenting" in the ecological contextual perspective on developmental science*. In K. H. Rubin, & O. B. Chung (Eds.), *Parenting beliefs, behaviors, and parent-child relations: A cross-cultural perspective* (pp. 3-33): New York, NY: Psychology Press.
- Bornstein, M. H., Putnick, D. L., & Suwalsky, J. (2018). Parenting cognitions → parenting practices → child adjustment? The standard model. *Development and Psychopathology*, 30(2), 399-416.
- Buri, J. R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.
- Chen, M., & Chan, K. L. (2016). Effects of parenting programs on child maltreatment prevention: A meta-analysis. *Trauma, Violence, & Abuse*, 17(1), 88-104.
- Collins, W. A., Maccoby, E. E., Steinberg, L., Hetherington, E. M., & Bornstein, M. H. (2000). Contemporary research on parenting: The case for nature and nurture. *American Psychologist*, 55(2), 218-232.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113(3), 487-496.
- Darling, N. y., & Toyokawa, T. (1997). *Construction and validation of the parenting style inventory II (PSI-II)*. Unpublished manuscript.
- Dixon, J. K. (2001). Factor analysis. In B. H. Murno (Ed.), *Statistical methods for health care research* (pp. 321-50). Philadelphia: Lippincot Williams & Wilkins.
- Fan, J., & Zhang, L. F. (2014). The role of perceived parenting styles in thinking styles. *Learning and Individual Differences*, 100(32), 204-211.
- Farzand, M., Cerkez, Y., & Çavusoglu, Ç. (2017). Empirical studies on parenting styles: A trend analysis. *International Journal of Educational Sciences*, 19(2-3), 152-158.
- Franke, N., Keown, L. J., & Sanders, M. R. (2020). An RCT of an online parenting program for parents of preschool-aged children with ADHD symptoms. *Journal of Attention Disorders*, 24(12), 1716-1726.
- García, F., & Gracia, E. (2014). The indulgent parenting style and developmental outcomes in South European and Latin American countries. In *Parenting across cultures* (pp. 419-433). Dordrecht: Springer.
- George, D. Y., Mallery, M. (2003). *Using SPSS for windows step by step: A simple guide and reference*. Boston, MA: Allyn & Bacon.
- Gohel, M., Mukherjee, S., & Choudhary, S. K. (2011). Psychosocial impact on the parents of mentally retarded children in Anand district. *Healthline*, 2(2), 62-66.

- Hardy, D. F., Power, T. G., & Jaedicke, S. (1993). Examining the relation of parenting to children's coping with everyday stress. *Child Development*, 64(6), 1829-1841.
- Hawk, C. K., & Holden, G. W. (2006). Meta-parenting: An initial investigation into a new parental social cognition construct. *Parenting: Science and Practice*, 6(4), 321-342.
- Hosokawa, R., & Katsura, T. (2017). Marital relationship, parenting practices, and social skills development in preschool children. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 11(2), 1-8.
- Hubbs-Tait, L., Dickin, K. L., Sigman-Grant, M., Jahns, L., & Mobley, A. R. (2013). Relation of parenting styles, feeding styles and feeding practices to child overweight and obesity: Direct and moderated effects. *Appetite*, 71, 126-136.
- Mantymaa, M., Puura, K., Luoma, I. Salmelin, R. K., & Tamminen, T. (2006). Mother's early perception of her infant's difficult temperament, parenting stress and early mother-infant interaction. *Nordic Journal of Psychiatry*, 60(5), 379-386.
- Matejevic, M., Jovanovic, D., & Jovanovic, M. (2014). Parenting style, involvement of parents in school activities and adolescents' academic achievement. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 128(2), 288-293.
- McClun, L. A., & Merrell, K. W. (1998). Relationship of perceived parenting styles, locus of control orientation, and self-concept among junior high age students. *Psychology in the School*, 35(4), 381-390.
- Mehrinejad, S. A., Rajabimoghadam, S., & Tarsafi, M. (2015). The Relationship between parenting styles and creativity and the predictability of creativity by parenting styles. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 205, 56-60.
- Pascolini, D., & Mariotti, S. P. (2012). Global estimates of visual impairment: 2010. *British Journal of Ophthalmology*, 96(5), 614-618.
- Parker, G., Tupling, H., & Brown, L. B. (1979). *Parental bonding instrument (PBI)*. *British Journal of Medical Psychology*, 52(1), 1-10.
- Pustejovsky, J. E., Ferron, J. M., Kaufmann, J. M., Hallahan, D. P., & Pullen, P. C. (2017). *Handbook of special education*. New York:Routledge.
- Robinson, C. C., Mandleco, B., Olsen, S. F., & Hart, C. H. (1995). Authoritative, authoritarian, and permissive parenting practices: Development of a new measure. *Psychological Reports*, 77(3), 819-830.
- Saltali, N. D., & İmir, H. M. (2018). Parenting Styles as a Predictor of the Preschool Children's Social Behaviours. *Participatory Educational Research*, 5(2), 18-37.
- Shafipour, S. Z., Sheikhi, A., Mirzaei, M., & KazemnezhadLeili, E. (2013). Parenting styles and its relation with children behavioral problems. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*, 25(76), 49-56.

- Soenens, B., Deci, E. L., & Vansteenkiste, M. (2017). How parents contribute to children's psychological health: The critical role of psychological need support. In *Development of self-determination through the life-course* (pp. 171-187). Dordrecht: Springer.
- Stevenson-Hinde, J. O. A. N., & Akister, J. (1995). The McMaster model of family functioning: Observer and parental ratings in a nonclinical sample. *Family Process*, 34(3), 337-347.
- Tulviste, T., & Ahtonen, M. (2007). Child-rearing values of Estonian and Finnish mothers and fathers. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 38(2), 137-155.
- Young, J. E. (1994). *Young Parenting Inventory*. New York: Cognitive Therapy Center.